

## دعای روز نوزدهم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ وَ سَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

ای خدا در این روز بهره مرا از برکاتش وافر گردان و به سوی خیراتش مسیرم را سهل و آسان ساز و از حسنات مقبول آن، مرا محروم مساز، ای هدایت‌کننده به سوی حق آشکار.

## ترجمه منظوم دعا

ای خدا بسیار کن حظ مرا	بهره بی حد و افزون از عدد
نیستم قانع الهی بر قلیل	راه تحصیل فیوضات ای کریم
ایبابم جمله خیرات را	هم مکن محروم از فیض عمیم
کارهای خوب و هم طاعات من	چون که تقوا هست میزان قبول
ای که هستی هادی حق مبین	تا نیفتم دور وز راه متبیین
اندر این شهر شریف دل فرا	لطف بی اندازه بر من کن عطا
اندر این مورد ز فضل کبریا	اندر این مه بهر من آسان نما
بی تکلف از طریق اقتضا	و از قبول آنچه آرم من به جا
گر قبول افتد خوشم در آن سرا	کن نصییم حال زهد و اتقا
ره نمایم باش در راه هدا	می نگردم از خط واقع جدا

## فقره اول: درخواست برکت

اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ:

ای خدا در این روز بهره مرا از برکاتش وافر گردان.

«وَفِّرْ» به معنی «زیاد کن» و «حَظٌّ» به معنی بهره می‌باشد. ماه رمضان که محل دعا و بهره‌های معنوی می‌باشد، می‌گوییم: خدایا روزی من کن تا از برکات ماه مبارک رمضان حظ و بهره فراوان ببرم.

## برکت چیست؟

برکت، خیری است که متناسب با ظرفیت و کارکرد هر پدیده‌ای در آن نهاده می‌شود. مثلاً برکت در نسل، به فراوانی فرزندان است. برکت در وقت نیز به این است که گستردگی کارهای انسانی در زمانی خاص، بیشتر از کار کسانی مانند او در همان مقدار از زمان باشد.<sup>۱</sup>

## برکت در قرآن و روایات

### الف) افراد با برکت

#### ۱. پیامبران

خداوند در قرآن کریم حضرت نوح، حضرت ابراهیم و خاندانش، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت یعقوب را بهره‌مند از برکت الهی دانسته است.<sup>۲</sup>

#### ۲. ائمه معصومین علیهم‌السلام

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «از برکت وجود ما، درختان بارور گردند و میوه‌ها رسیده و نهرها جاری شوند و از برکت ما باران از آسمان ببارد و گیاه از زمین بروید».<sup>۳</sup>

#### ۳. مؤمنان و صاحبان حکمت

در سوره نوح که سخن از برکات خداوند بر حضرت نوح علیه‌السلام است، برکات خداوند بر امت‌های همراه نوح و امت‌های دیگری که در آینده از نعمت خداوند بهره‌مند می‌شوند، بازگو شده است.<sup>۴</sup>

مفسران تعبیر «أُمَّمٌ مِّمَّنْ مَّعَكَ» در آیه ۴۸ سوره هود را شامل مؤمنان همراه نوح و هر مؤمنی از نسل آنان تا قیامت دانسته‌اند.

گاهی خداوند به عمر انسان برکت می‌دهد و سر منشأ خیرات بسیاری می‌گردد؛ مانند عمر سراسر خیر و برکت مراجع بزرگوار تقلید و اندیشمندان و فرزندان از حوزه و دانشگاه؛ از جمله عمر بابرکت حضرت امام خمینی بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و عمر دوباره‌ای که خدای تعالی به رهبر فرزانه و عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای عنایت نمود تا جهانی را از حقایق سیراب

۱. تفسیرالمیزان؛ ج ۷، ص ۲۸۰ - ۲۸۱.

۲. سوره‌های هود: ۴۸، ۷۳ و صافات: ۱۰۹ و ۱۱۳، نعل: ۷ و ۸ و مریم: ۳۰ و ۳۱.

۳. اصول کافی؛ ج ۱، ص ۲۸۹.

۴. انعام: ۱۵۵.

سازند و سکان‌دار کشتی طوفان‌زده اسلام باشند و به لطف و رحمت خدا آن را به ساحل مقصود، در دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام برسانند.

شیخ عباس قمی رحمته‌الله طی دو سال مفاتیح‌الجنان را نوشت. برکت این دو سال تا حدی بوده است که میلیون‌ها نسخه از مفاتیح‌الجنان تا حال چاپ شده است و در دنیای اسلام بعد از قرآن، کتابی مثل مفاتیح‌الجنان وجود ندارد.

## ب) پدیده‌های بابرکت

### ۱. قرآن

امام صادق علیه‌السلام فرمودند که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود:

«خانه‌ای که در آن قرآن خوانده و یاد خدای عزوجل در آن شود، برکتش بسیار گردد و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند و برای اهل آسمان می‌درخشد؛ چنان‌که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدای عزوجل در آن نشود، برکتش کم گردد و فرشتگان از آن دور شوند و شیاطین در آن حاضر گردند»<sup>۱</sup>.

### ۲. عقل

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خیر و برکت هیچ ثروتی به قدر عقل نیست و پستی و ذلت هیچ فقری به پایه حماقت که فقر عقلی است، نمی‌رسد»<sup>۲</sup>.

### ۳. کعبه

قرآن کریم می‌فرماید: «در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت می‌باشد»<sup>۳</sup>.

### ۴. سلام

قرآن کریم می‌فرماید: «پس چون به آن خانه‌ها وارد شدید، به یکدیگر سلام کنید؛ سلام نزد خدا مبارک و خوش است»<sup>۴</sup>.

۱. اصول کافی؛ ج ۴، ص ۴۱۴.

۲. محمد تقی فلسفی؛ الحدیث؛ ج ۱، ص ۳۸۲.

۳. آل عمران: ۹۶.

۴. نور: ۶۱.

## ۵. نان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «با گذاشتن نان در سفره و توشه خود، غذای خود را متبرک ساز.»<sup>۱</sup>

## ۶. کشاورزان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کشاورزان، گنج های خلقند، چیزی پاکیزه می کارند و خداوند بزرگ آن را از زمین برمی آورد و آنان در روز قیامت بهترین مقام را دارند و در نزدیک ترین منزلت قرار می گیرند و مبارکان؛ یعنی اهل برکت خوانده می شوند.»<sup>۲</sup>

## ۷. باران

قرآن کریم می فرماید: «و از آسمان آبی پربرکت فرود آوردیم؛ پس بدان وسیله باغ ها و دانه های دروکردنی را رویانیدیم.»<sup>۳</sup>

## ج) عوامل برکت

### ۱. ایمان و تقوا

قرآن کریم می فرماید: «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم؛ ولی تکذیب کردند؛ پس به کیفر دستاوردها را گرفتیم.»<sup>۴</sup>

### ۲. ولایت علی علیه السلام

امام باقر علیه السلام از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همانا نسیم رحمت و آسودگی و پیروزی و کمک و کامیابی و برکت و بزرگواری و آمرزش و ایمنی و توانگری و مژده و رضوان و تقرب و یاری و توانایی و امید و دوستی خدای عزوجل، برای کسی که علی را دوست بدارد و اطاعتش کند و از دشمنش بیزاری جوید و به فضیلت او و جانشینانش معترف باشد.»<sup>۵</sup>

۱. بحارالانوار؛ ج ۶۹، ص ۲۷۰.

۲. حکیمی؛ الحیاء؛ ترجمه: احمد آرام؛ ج ۵، ص ۵۱۲.

۳. ق: ۹.

۴. اعراف: ۹۶.

۵. اصول کافی؛ ج ۱، ص ۳۰۰.

### ۳. سحرخیزی

امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست دارم بینم مردی را که برای پیدا کردن روزی اش رغبت دارد یا دارای شغلی است و برای یافتن روزی سحرخیز است؛ چه اینکه رسول خدا ﷺ در حقشان دعا کرده و از خداوند درخواست کرده است امت او را که صبح زود به دنبال کسب روزی برمی خیزند، برکت دهد».<sup>۱</sup>

### ۴. دعای سحر

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «خدای عزوجل از میان بندگان مؤمنش، آن بنده‌ای را دوست دارد که بسیار دعا کند. پس بر شما باد به دعا از هنگام سحر تا طلوع آفتاب؛ زیرا آن هنگامی است که درهای آسمان در آن هنگام بازگردد و روزی‌ها در آن تقسیم شود و حاجت‌های بزرگ برآورده گردد».<sup>۲</sup>

### ۵. شکرگزاری

خداوند در قرآن می‌فرماید: «اگر شکرگزار باشید، بر شما فزونی می‌دهم».<sup>۳</sup>

### ۶. صدقه‌دادن

یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ دوازده درهم خدمت آن حضرت آورد تا پیراهنی تهیه نماید. پیامبر ﷺ آن را به علی علیه السلام داده و فرمودند: با این مبلغ پیراهنی برای من تهیه کن، وقتی پیراهن را آوردند، پیامبر فرمود: کاش به جامه خشنی تبدیل می‌شد؛ زیرا من علاقه ندارم این لباس فاخر را بپوشم. علی علیه السلام پیراهن را به فروشنده بازگرداند و با چهار درهم پیراهنی خرید، در بین راه فقیر برهنه‌ای درخواست پیراهن کرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیراهن را به او داده و پیراهن دیگری به چهار درهم خرید، در بین راه کنیزی را دیدند که به واسطه گم کردن چهار درهم گریه می‌کرد و می‌ترسید به خانه باز گردد. آن حضرت خرید مورد نظرش را برای او انجام دادند و با او به خانه آمدند تا نزد صاحبش، شفاعتش بنمایند.

صاحب، آن کنیز را به رسول خدا ﷺ بخشید؛ چون امیرالمؤمنین علیه السلام او را نزد رسول خدا ﷺ آوردند، آن حضرت کنیز را آزاد نموده و فرمودند: یا علی عجب دوازده درهم با برکتی بود، دو برهنه را پوشانید و بنده‌ای را آزاد کرد، این نمونه‌ای از برکت در مال است.<sup>۴</sup>

۱. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ترجمه: علی اکبر غفاری؛ ج ۴، ص ۲۰۶.

۲. اصول کافی؛ ج ۴، ص ۲۲۸.

۳. ابراهیم؛ ۷۱.

۴. عنوان الکلام.

## ۷. اطاعت و رضایت خدا

امام رضا علیه السلام فرمود: «خدای عزوجل به یکی از پیغمبران وحی فرمود: هرگاه اطاعت شوم، راضی گردم و چون راضی شوم، برکت دهم و برکت من بی‌پایان است و هرگاه نافرمانی شوم، خشم گیرم و هرگاه خشم گیرم، لعنت کنم و لعنت من تا هفت پشت برسد».<sup>۱</sup>

## ۸. صله رحم

امام علی علیه السلام فرمود: «صله رحم اعمال را پاک کند، بلا را دور نماید، اموال را برکت دهد، مرگ را به تأخیر اندازد، روزی را وسعت دهد و آدمی را در میان خانواده محبوب سازد؛ پس باید از خدا پروا کرد و صله رحم نمود».<sup>۲</sup>

## ۹. پیران سالخورده

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «وجود پیران سالخورده بین شما باعث افزایش فیض ربوبی و بسط نعمت‌های الهی است».<sup>۳</sup>

## ۱۰. خوش رفتاری

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در نرم‌رفتاری، زیادی و برکت است و هر که از نرمی محروم شد، از خیر محروم گشت».<sup>۴</sup>

## ۱۱. یاد و سپاس خدا هنگام غذا خوردن

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «چون نام خدا بر سر خوراک برند و در پایانش سپاس او گویند و دست‌ها را در پیش و پس آن شویند و خوردنی نیز از حلال بود، برکتش کامل شود».<sup>۵</sup>

## ه) عوامل محرومیت از برکت

### ۱. تکذیب انبیا

قرآن کریم می‌فرماید: «اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند؛ پس به کیفر دستاوردها را گرفتیم».<sup>۶</sup>

۱. اصول کافی؛ ج ۳، ص ۳۷۷.

۲. همان؛ ص ۲۲۳.

۳. الحدیث؛ ج ۳، ص ۳۳۹.

۴. اصول کافی؛ ج ۳، ص ۱۸۲.

۵. بحارالانوار؛ ج ۱۰، ص ۱۷۱.

۶. اعراف: ۹۶.

## ۲. پرداخت نکردن زکات

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه زکات داده نشد، فقر و احتیاج پدیدار گردد».<sup>۱</sup>

## ۳. روی گردانی از یاد خدا

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «آن کس که از من روی گرداند، دچار مضمیقه و تنگی معیشت خواهد بود».<sup>۲</sup>

## ۴. اسراف

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تدبیر صحیح با روزی به قدر کفاف، از مال زیاد با اسراف، کفایت بخش‌تر است».<sup>۳</sup>

## ۵. خودنمایی در علم آموزی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرکس علم را یاد بگیرد و به آنچه در آن است، عمل نکند، خدا او را روز قیامت کور برانگیزاند و هر کس علم را برای خودنمایی بیاموزد و از آن اراده دنیا کند، خداوند برکتش می‌دهد و زندگی‌اش را تنگ می‌نماید و او را به خودش وامی‌گذارد و هر کس به خودش واگذاشته شود، نابود گردد».<sup>۴</sup>

## ۶. سرقت، خیانت، شرب خمر و عمل خلاف عفت

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «چهار چیز است که یکی از آنها هم اگر در خانه‌ای پیدا شود، ویرانش کند و به برکت آباد نشود: سرقت، خیانت، شرب خمر و عمل خلاف عفت».<sup>۵</sup>

## ۷. بدزبانی

امام علی علیه السلام فرمود: «هرکس به برادر مسلمان خود دشنام دهد، خدا برکت را از روزی او بردارد و او را به خودش واگذارد و زندگی‌اش را تباه سازد».<sup>۶</sup>

## ۸. گناه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گناه، مردم را از روزی محروم می‌کند».<sup>۷</sup>

۱. اصول کافی؛ ج ۴، ص ۱۸۵.

۲. طه: ۱۲۴.

۳. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ترجمه: احمد جنتی؛ ص ۱۲۷.

۴. سیدعبدالحسین رضایی؛ کتاب الروضه در مبانی اخلاق؛ ص ۱۰۳.

۵. آداب معاشرت؛ ترجمه ج ۱۶ بحارالانوار؛ ترجمه: محمد باقر کمره‌ای؛ ج ۲، ص ۱۰۹.

۶. اصول کافی؛ ج ۴، ص ۱۷.

۷. همان؛ ص ۸۱.

## برکات ماه رمضان در روایات

### ۱. آمرزش الهی

رسول خدا می‌فرماید: «أَتَدْرُونَ لِمَ سُمِّيَ شَعْبَانُ شَعْبَانًا؟ لِأَنَّهُ يَتَشَعَّبُ مِنْهُ خَيْرٌ كَثِيرٌ لِرَمَضَانَ، وَإِنَّمَا سُمِّيَ رَمَضَانُ رَمَضَانَ؛ لِأَنَّهُ تُرْمَضُ فِيهِ الذُّنُوبُ أَيْ تُحْرَقُ»<sup>۱</sup> آیا می‌دانید چرا شعبان را شعبان نامیده‌اند؟ چون از آن خیر فراوان برای رمضان، منشعب می‌شود و رمضان را به این دلیل رمضان نامیده‌اند که در آن گناهان سوزانده می‌شوند. همچنین فرمودند:

«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَآمَنَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَ مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»<sup>۲</sup> هر کس رمضان را از روی ایمان و برای خدا و پاداش او روزه بگیرد و به عبادت برخیزد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود و هر کس شب قدر را از روی ایمان و به امید پاداش الهی، به عبادت بایستد، گناهان گذشته‌اش بخشوده می‌گردد.

نیز فرمودند:

«شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ؛ فَمَنْ صَامَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»<sup>۳</sup> ماه رمضان، ماهی است که خداوند روزه آن را بر شما واجب ساخت؛ پس هر کس آن را از روی ایمان و به امید پاداش الهی روزه بدارد، از گناهانش بیرون می‌آید؛ همچون روزی که مادرش او را زاده است.

### ۲. آزادی از آتش دوزخ

رسول خدا می‌فرماید: «سُمِّيَ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ الْعِتْقِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ سَتَمِئَةَ عَتِيقٍ، وَ فِي آخِرِهِ مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِيمَا مَضَى»<sup>۴</sup> ماه رمضان را ماه آزادسازی نامیده‌اند؛ چون خداوند در هر روز و شب، ششصد آزاد شده دارد و نیز در آخر ماه، به اندازه آنچه در (روزها و شب‌های) گذشته آزاد کرده است.

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۷، ص ۴۸۴، ح ۸۷۱۰ به نقل از قطب راوندی در کنز العمال؛ ج ۸، ص ۵۹۱.

۲. سنن الترمذی؛ ج ۳، ص ۶۷؛ صحیح البخاری؛ ج ۲، ص ۶۷۲ و صحیح مسلم؛ ج ۱، ص ۵۲۴.

۳. بحار الأنوار؛ ج ۹۶، ص ۳۷۵.

۴. همان؛ ص ۳۸۱.



همچنین فرمودند:

«فِي فَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ هُوَ شَهْرٌ أَوْلُهُ رَحْمَةٌ، وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَآخِرُهُ إِجَابَةٌ وَالْعِتْقُ مِنَ النَّارِ»<sup>۱</sup> درباره فضیلت ماه رمضان ماهی است که آغاز آن رحمت، میانه آن آمرزش و پایان آن اجابت [دعا] و آزادی از آتش است.

### ثمرات و برکات دیگری از ماه رمضان

۱. تقویت اراده: تداوم روزه‌داری به مدت یک ماه، تمرین مناسبی است برای تقویت اراده؛ چرا که روزه‌دار خود را در زمان طولانی ملزم به پرهیز از اموری می‌کند که نفسش تمایل به آنها دارد.
۲. بیداری عاطفه: روزه‌داری موجب می‌شود انسان شمه‌ای از سختی‌های فقرا را لمس نموده و با قشر مستضعف جامعه هم‌دردی نماید. همچنین سختی‌های دنیوی موجب می‌شود انسان به یاد سختی‌های آخرت افتاده و سعی در پالایش اعمال خود نماید.
۳. پالایش از گناه: برای شخص روزه‌دار که از بسیاری امور حرام نیز به دلیل روزه چشم‌پوشی می‌کند، پرهیز از محرّمات آسان‌تر است. بر اثر این تحول معنوی، روزه‌دار از گناهان گذشته خویش توبه کرده و بنا را بر این می‌گذارد که در آینده سراغ معاصی نرود.
۴. سلامت جسم: در ماه رمضان، بساری از مواد اضافی بدن بر اثر روزه و امساک ذوب شده و سستی و تنبلی برخی از دستگاه‌های بدن از بین می‌رود، در نتیجه جمع آدمی طراوت خاصی می‌یابد.
۵. افزایش صبر و پایداری: ماه رمضان و برنامه‌های آن، به ویژه روزه‌داری، بهترین نبرد با امیال درونی است و تمرین برای «نه» گفتن به آنچه خلاف خواسته خداوند است و هرچه مقاومت فرد در این ماه افزون‌تر گردد، صبر و پایداری او در آینده افزایش خواهد یافت.
۶. افزایش عفت: به دلیل روزه‌داری مردم، میزان مفساد اجتماعی، گناه و بزه‌کاری بسیار کاهش می‌یابد و به عبارت دیگر، عفت اجتماعی بالا می‌رود.
۷. اعتماد به نفس: کسی که سالی یک ماه در برابر نیازهای جسمی و خواهش‌های نفسانی خود مقاومت می‌کند، به قدرت اراده خویش واقف گشته و اعتماد به نفس پیدا می‌کند. چنین شخصی در سایر مسائل زندگی نیز قدرتمندانه ظاهر خواهد شد.

۱. کافی؛ ج ۴، ص ۶۷ و تهذیب الأحکام؛ ج ۳، ص ۵۸.

۸. نظم‌پذیری: شخص روزه‌دار اگر یک لحظه زودتر افطار کند یا دیرتر دست از غذا بکشد یا از چارچوب برنامه‌های روزه‌داری خارج گردد، روزه او باطل خواهد شد. این تقیدها و هماهنگ‌بودن همه‌جانبه در اعمال این ماه، میزان و تمرین خوبی برای تنظیم کارهای دیگر؛ حتی در غیر ماه رمضان خواهد بود.
۹. سلامت گفتار: با به کارگیری زبان در جهت مثبت، به ویژه در پرتو اعمال، ادعیه و اذکار، آن را پالایش واقعی می‌دهد و تأثیر بزرگی در عملکرد آینده او خواهد گذاشت.
۱۰. افزایش دریافت معارف: مجالس و محافل گوناگون و رسانه‌های گروهی، همگی برای ارائه معارف دینی گام بر می‌دارند.
۱۱. مساوات: چرا که فقیر و ثروتمند، همگی باید با شرایطی یکسان، از اذان صبح تا اذان مغرب، از انجام اموری یکسان پرهیز نمایند. بنابراین ثروتمند درد فقیر را لمس می‌کند و فقیر هم خود را هم‌تراز ثروتمند می‌بیند.
۱۲. رحمت بی‌پایان الهی: امام صادق علیه السلام « خواب روزه‌دار عبادت محسوب می‌گردد، سکوتش تسبیح نوشته می‌شود، عمل او مورد قبول قرار می‌گیرد و دعای او به اجابت منتهی می‌گردد»<sup>۱</sup>.

### فقره دوم: آسان‌شدن راه خیرات

وَسَهَّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ.

و به سوی خیراتش، مسیرم را سهل و آسان ساز.

در مسیر بندگی خداوند، تعالی و انجام واجبات و مستحبات الهی، کارهای زیادی است که باید انجام دهیم؛ ولی به دلایل زیادی همچون وسوسه‌های شیطانی و نفسانی، تنبلی، سستی ایمان و ... انجام این امور برای ما مشکل شده و بعضاً آن کارها را انجام نمی‌دهیم.

در دعای این روز از خداوند آسان‌شدن این کارها را طلب می‌کنیم تا به مدد الهی سختی آنها برای ما تبدیل به آسانی شود.

وقتی حضرت موسی علیه السلام آماده قیام علیه فرعون زمان خویش شد، از خداوند آسانی این کار بزرگ را مسئلت کرد و گفت: «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي»<sup>۲</sup>.

۱. بحارالانوار؛ ج ۹۳، ص ۲۵۳.

۲. طه: ۲۶.

اگر این آسانی در کارهای گوناگون و به ویژه در انجام اعمال عبادی شامل حال ما شود، به طور قطع بیشتر و بهتر خدا را عبادت خواهیم کرد. در برخی از ادعیه چنین آمده است:

«خدایا از تو می‌خواهم که بر پیامبر ﷺ و آتش درود بفرستی و کار را بر من آسان کنی و بر من سخت مگیری...»<sup>۱</sup>

رسول گرامی اسلام ﷺ در بیان بلندی فرمود: «برای هر حاجتی که دارید؛ حتی اگر بند کفش باشد، دست خواهش به سوی خداوند عزوجل دراز کنید؛ زیرا تا او آن را آسان نگرداند، آسان نشود».<sup>۲</sup>

نباید از این نکته غافل شد که یکی از کارهای شیطان برای دورشدن ما از خداوند، مشکل جلوه‌دادن عبادات و طاعات است و برعکس شیطان همواره راه‌های خود را آسان می‌کند تا انسان‌ها از مشکلی راه‌های الهی به آسانی راه‌های شیطانی پناه ببرند.

امام علی علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: «همانا شیطان راه‌های خویش را برای شما آسان و هموار می‌کند تا بندبند دین شما را بگسلاند؛ پس از وسوسه‌ها و افسون‌هایش روی‌گردان شوید».<sup>۳</sup>

### طلب خیر

یکی از عوامل رشد و سعادت انسان، طلب خیرنمودن از خدای متعال و دست‌یابی به خیرات است. از پیامبر ﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «از خوشبختی پسر آدم است که از خدا خیر طلب کند و به آنچه خدا فرمان داده خشنود باشد».<sup>۴</sup>

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت فرمود: «مَنْ اسْتَخَارَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَرَّةً وَاحِدَةً وَهُوَ رَاضٍ بِمَا صَنَعَ اللَّهُ لَهُ حَازَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا»<sup>۵</sup> هرکس یک بار از خدا طلب خیر کند و به آنچه خدا برای او خواسته، راضی باشد، قطعاً خداوند خیر را برای او قرار خواهد داد.

بر این اساس در این روز از خداوند متعال طلب می‌کنیم ما را در دست‌یابی به خیرات یاری فرماید.

۱. بحارالانوار؛ ج ۸۷، ص ۳۳۴.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۴، ص ۲۴.

۳. همان؛ ج ۳، ص ۳۹۱.

۴. تحف العقول؛ ص ۳۹.

۵. همان؛ ص ۷۰۸.

خداوند عزوجل در قرآن خطاب به بندگان خویش می‌فرماید:  
 «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»<sup>۱</sup>.

چرا که انسان در لحظه‌ای از عمر خود ممکن است تصمیم کار خیری را بگیرد و در لحظه‌ای دیگر از آن منصرف گردد و یا اینکه عمر او کفاف ندهد تا آن کار خیر را انجام دهد؛ بنابراین خداوند انسان‌ها را به سبقت‌گرفتن در کار خیر امر می‌فرماید و ما نیز این را باید در نظر داشته باشیم که ممکن است ماه رمضان سال آتی از عمر ما نباشد که بتوانیم کار خیری را انجام دهیم؛ پس امروز که از عمر ماست و هم اکنون در این ماه قرار داریم، بهتر است از این فرصت‌ها استفاده نماییم.

### فقره سوم: قبول شدن حسنات

وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِي:

و از حسنات مقبول آن، مرا محروم مساز.

باید هر روز بگوییم خدایا کاری کن که حسناتم مورد قبول تو واقع بشود. از ما عبادت‌کردن، نماز خواندن و روزه گرفتن و از خداوند پذیرفتن و قبول کردن! اگر یک «طاعت» از روی صدق و اخلاص به جای آوریم و خداوند آن را از ما بپذیرد، برای ما بس است. اگر طاعت و عبادات مان مورد قبول درگاهش قرار نگیرد، رنجی بیهوده و تلاشی بی‌ثمر کرده‌ایم.

انسان‌ها در طول عمر خود اعمال خیر بسیاری انجام می‌دهند؛ ولی حفظ و نگهداری آن بسیار مهم است؛ زیرا چه بسا با اعمال زشت خود، آن را از بین می‌بریم. از این رو پذیرش آن از سوی خدا و حفظ و حراست از آن بسیار مهم است.

سید نعمت‌الله جزایری در کتاب *انوار نعمانیه* باب احوال بعد از مرگ، می‌نویسد:

در اخبار است مرد مستمندی از دنیا رفت. صبح که جنازه او را بلند کردند، تا شب به واسطه کثرت ازدحام و انبوه جمعیت از دفنش فارغ نشدند، بعدها او را در خواب دیدند، پرسیدند خداوند با تو چه کرد؟

گفت: خداوند مرا آمرزید و نیکی و لطف زیادی درباره من فرمود؛ ولی حساب دقیقی کرد؛ حتی روزی بر در دکان رفیقم که گندم‌فروشی داشت با حال روزه نشسته بودم، هنگام اذان که شد، یک‌دانه از گندم‌های او را برداشته و با دندان خود دو نیمه کردم، در این موقع به خاطر آمد که گندم از من نیست، آن دانه

شکسته را بر روی گندم‌های او افکندم، خداوند چنان حسابی از من کرد و از حسنات من به اندازه نقص قیمت گندمی که شکسته بودم، گرفت.<sup>۱</sup>

### منظور از وَ لَا تَحْرَمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِي چیست؟

انسان به واسطه گناهانی که در طول عمر خویش انجام می‌دهد، باعث می‌گردد از یک‌سری کارهای نیک که انجام آنها مقبول درگاه خداوند می‌باشد، محروم گردد؛ زیرا گناه حجابی است که بنده بین خود و خدای خویش ایجاد می‌کند و آن حجاب این‌گونه است که انسان با انجام هر گناه لکه سیاهی بر دلش می‌نشیند و با مرور زمان و انجام گناهان بیشتر آن لکه سیاه افزون می‌گردد تا اینکه انسان با آن دل سیاه خود نمی‌تواند با خدای خویش ارتباط برقرار کند و کسی که از خدای خویش دور گردد، هرگز نمی‌تواند کار نیکی را انجام دهد. پس با این وجود ما به درگاه خداوند استغاثه نموده و او را به حق دین حقی که برای ما مقرر فرموده، قسم می‌دهیم که ما را از گناهان دور ساخته و به انجام حسنات که مقبول درگاه اوست، مشغول سازد.

### شرایط قبولی اعمال

عبادت غیر از شرایط صحّت، شرایط «قبول» و «کمال» هم دارد؛ یعنی آنچه که مراعاتش، انسان را به قرب خدا و رشد معنوی می‌رساند و در فرد و جمع تأثیر می‌گذارد. گاهی عبادت صحیح است؛ ولی رشدآور نیست؛ مثل دارویی که شفابخش نیست. گاهی عبادت از کیفر می‌رهاند؛ ولی ما را محبوب خدا نمی‌سازد.

بنابراین انسان باید به مسئله قبولی عبادت توجه خاصی داشته باشد تا از تلاش معنوی‌اش بهره بیشتر ببرد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ عِنَايَةً مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ»<sup>۲</sup>.

به قبولی عمل، بیش از اصل عمل توجه داشته باشید.

انسان ممکن است برای پذیرش در جایی هم کارت ورود بگیرد، هم طبق مقررات ظاهری عمل کند؛ ولی در مصاحبه به دلایلی مانند فساد اخلاق یا سوء سابقه یا ... رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی، درست انجام گیرد؛ ولی به دلایلی مورد قبول خدا نشود. مگر نه این است که گاهی کارهای صحیحی از طرف افراد غیر

۱. موسی خسروی؛ پندتاریخ؛ ص ۱۸۴.

۲. بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۷۳.

مسئول انجام می‌گیرد؛ ولی به جای تشکر، از آنان انتقاد هم می‌شود؟! پس شرطِ قبولی کار، چیزی دیگر است.

در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که نمونه‌هایی از آنها از این قرار است.

### ۱. ایمان به خدا

نداشتن ایمان، مایه تباهی اعمال است:

«وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»<sup>۱</sup>.

### ۲. ولایت

ولایت و رهبری صحیح و آسمانی، همه بندگان خدا و بندگی‌ها و نماز و حج و جهاد و... را در مسیر الهی قرار می‌دهد و به آنها جهت شایسته می‌بخشد.

در حدیث از امام باقر علیه السلام است:

«مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعْيُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ»<sup>۲</sup>.

کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت‌های طاقت‌فرسا هم انجام می‌دهد؛ ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی‌فایده است.

در حدیث می‌خوانیم:

«فَمَنْ لَمْ يَتَوَكَّلْنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا»<sup>۳</sup> هر کس ولایت و رهبری ما را نپذیرد، خدا

هم اعمال او را قبول نمی‌کند.

ولایت و رهبری جامعه، همانند راننده در یک ماشین است. اگر همه سرنشینان، شیک و مرتب و مؤدب باشند؛ ولی راننده مست باشد یا جاده منحرف باشد، سقوط در پیش است؛ ولی اگر راننده سالم و باتجربه باشد، هرچند مسافران، کهنه‌پوش و نامترب باشند، این سفر به مقصد می‌رسد.

در شرایط غیبت نیز ما نیاز به ولی و رهبر داریم و خداوند ما را در شرایط غیبت رها نکرده است؛ بلکه انسان‌های شایسته را ولی و رهبر ما قرار داده است. مثل ایران امروز که با برخورداری از ولایت فقیه، راه رو به رشدی را می‌پیماید؛ ولی کشورهای اسلامی دیگر با آنکه نماز، روزه و ... دارند؛ ولی به دلیل انحراف در خط سیاسی و رهبری در ذلت‌اند.

۱. مائده: ۵.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱، ص ۹۰.

۳. کافی؛ ج ۱، ص ۴۳۰.

### ۳. تقوا

داستان فرزندان آدم در قرآن آمده است. هر دو قربانی کردند؛ قربانی یکی پذیرفته شد و دیگری نه.

خدای منان شرط قبول اعمال و عبادات ما را تقوی الهی و پرهیز از محرمات قرار داده و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>.

آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود این است که قبولی اعمال در گرو کیفیت و نحوه عمل است، قبولی عمل در گرو تقوی است و نشانه تقوی اخلاص است و هیچ چیزی مانند ریا، آفت عبادت محسوب نمی‌شود.

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»<sup>۲</sup>.

هیچ دستوری برای مردم نیامده مگر اینکه خداوند را با اخلاص عبادت کنید؛ پس عامل اصلی در مردودی حسنات روزه‌دار، ریا و مردم‌فریبی و توجه به هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطان می‌باشد.

نقل کرده‌اند شخصی هنگام عبور از بازار، دو قرص نان سرقت کرد و دو انار از مغازه‌ای دیگر. سپس آن انار و نان را به فقیر داد. به او گفتند: این چه کاری است؟

گفت: خداوند هر گناه را یک کیفر؛ ولی ثواب را ده برابر پاداش می‌دهد.

من با آن دو نان و دو انار، چهار گناه کردم؛ ولی به فقیر که دادم، چهل ثواب بردم. چهار گناه از چهل ثواب که کم شود، سی و شش ثواب باقی می‌ماند. به او گفتند: پاداش ده برابر برای کسی است که کارش بر اساس تقوا باشد. انفاق از مال غصبی پاداش ندارد؛ مگر نخوانده‌ای: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۳</sup>.

### ۴. حضور قلب

توجه و حضور قلب از دیگر شرایط صحت عبادت است.

برخی از راه‌های کسب توجه و حضور قلب در عبادات عبارتند از:

\* توجه به عظمت خدا و تفکر در عبادت؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «آگاه باشید

در عبادتی که تفکر نباشد، سودی نیست»<sup>۴</sup>.

\* توجه به لطف بی‌نهایت خدا نسبت به بندگانش؛

\* پناه‌بردن به خدا از شر شیطان‌های جنّی و انسی؛

۱. مائده: ۲۷.

۲. بینه: ۵.

۳. مائده: ۲۷.

۴. اصول کافی؛ ج ۱، ص ۳۶.

\* توسل جستن به اهل بیت علیهم‌السلام؛  
\* داشتن حالت خشوع، خضوع و ....

### ۵. ادای حق مردم

رسیدگی به نیازمندان و ادای حقوق محرومان به درجه‌ای از اهمیت است که گاهی قبولی عبادت بستگی به آن دارد. پرداختن زکات یا داشتن درآمد مشروع از این نمونه‌هاست.

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ»<sup>۱</sup>: هر کس نماز بخواند؛ ولی زکات نپردازد، نمازش قبول نمی‌شود.  
در حدیث دیگری علی علیه‌السلام به کمیل می‌فرماید:  
«هر گاه غذای تو از راه حلال و درآمد صحیح نباشد، خداوند تسیح گفتن و شکرکردن تو را قبول نمی‌کند»<sup>۲</sup>.

### ۶. خیرخواهی نسبت به دیگران

حفظ پیوندهای اجتماعی و اخوت میان مسلمانان و روابط شایسته و نیکو میان پیروان اسلام، اهمیت بسیاری دارد. از این رو هر سخن و عملی که به گسستن پیوندها و به هم‌زدن روابط خوب منجر شود، نارواست؛ «غیبت»، «سوء ظن»، «بدخواهی»، «قطع رابطه»، «بدخلقی» و ... از اوصاف و اعمالی هستند که موجب قبول نشدن عبادت می‌شوند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ كَيْلَهُ إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»<sup>۳</sup>: کسی که غیبت زن و مرد مسلمانی را بکند، تا چهل روز نماز و روزه‌اش را خدا نمی‌پذیرد؛ مگر آنکه آن شخص او را ببخشد.  
همچنین فرمودند:

«يَا أَبَاذَرٍّ إِيَّاكَ وَ هِجْرَانَ أَخِيكَ، فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا يُتَقَبَّلُ مَعَ الْهَجْرَانِ»<sup>۴</sup>: ای ابوذر! از دوری و قطع رابطه با برادر دینی بپرهیز؛ چرا که عمل این‌گونه اشخاص پذیرفته نیست.

۱. بحارالانوار؛ ج ۹۶، ص ۱۲.

۲. سفینه البحار؛ ج ۱، واژه «حل».

۳. جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۲۳۴.

۴. مکارم الاخلاق؛ ص ۵۵۴ به نقل از الحياه؛ ج ۱، ص ۲۳۶.



و امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَهُوَ مُضْمِرٌ عَلَىٰ آخِيهِ سُوءٌ»<sup>۱</sup>: هر مؤمنی که نسبت به برادر دینی اش، نیت بدی داشته باشد، خداوند عمل او را قبول نمی کند.

همچنین می فرماید:

«إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ»<sup>۲</sup>: بد اخلاقی با مردم، چنان عمل را فاسد می کند که سرکه، عسل را.

### ۶. خوش رفتاری با خانواده

آئین مقدس و متعالی اسلام، میان عبادت و سیاست و اخلاق و اجتماع پیوندی منسجم ایجاد کرده است. در امور خانوادگی هم رعایت احترام و حقوق متقابل زن و شوهر را چنان مهم دانسته که بی توجهی به آن گاهی باعث قبول نشدن عبادات می گردد و قطع پیوندهای زمینی، به قطع پیوند آسمانی می انجامد.

در این زمینه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُوذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا... وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ»<sup>۳</sup>: هر کس زن بد رفتار و اذیت کننده ای داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی پذیرد و مرد نیز همچنین است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ أَبِيهِ نَظْرَ مَاقَةٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»<sup>۴</sup>: نماز فرزندان که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می کنند، قبول نمی شود. گرچه والدین، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند.

### فقره چهارم: هدایت الهی

يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ:

ای هدایت کننده به سوی حق آشکار.

۱. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۳۶۱.

۲. همان؛ ص ۳۲۱.

۳. همان.

۴. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۳۴۹.

باید از خدا شکرگذار باشیم که ما را به دین حق هدایت نموده است و همه از شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هستیم. «وَالْحَقُّ الْمُبِينُ»؛ در حقیقت ولایت اهل بیت علیهم السلام هست که خداوند ما را به سوی ولایت اهل بیت هدایت نموده است. هدایت در لغت به معنای راهنمایی با لطف و مهربانی کردن است؛ اما هدایت خدای متعال برای انسان‌ها سه وجه دارد:

۱. هدایت عمومی که به مقتضای آفرینش هر موجودی قرار گرفته است و در انسان‌ها هر مکلفی و انسان بالغی به وسیله عقل و هوش و معارف و علوم به ناچار به آن هدایت وابسته است که همان هدایت تکوینی است.

۲. هدایت که به مقتضای نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها از زبان پیامبران و با رساندن پیام خداوند به مردم، به صورت قرآن و کتاب‌های آسمانی دیگر نازل شده است که همان هدایت تشریحی است. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید:

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»<sup>۱</sup> از خود مردم امامانی که به امر ما آنها را هدایت کنند، قرار دادیم.

۳. هدایت توفیقی: این قسم از هدایت اختصاص به کسانی دارد که خود در راه هدایت و به کمال رسیدن، حرکت کرده باشند؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ»<sup>۲</sup> کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، پروردگارشان آنان را به واسطه ایمانشان هدایت می‌کند.

### هدایت و توفیق الهی

خدای متعال در اصل خلقت بشر، استعداد هدایت و امکان رشد را قرار داده است و این هدایت اولی از ناحیه خداوند است. قرآن در این باره می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»<sup>۳</sup> ما راه را به او [انسان] نشان دادیم، خواه شاکر باشد [و قبول کند] یا ناسپاس.

هدایت‌های بعدی خداوند، پاداش او به انسان‌هایی است که آن استعداد هدایت اولی را به طور صحیح شکوفا می‌کنند؛ اما ضلالت، امری عدمی است؛ یعنی عدم هدایت و سوزاندن آن استعداد و انحراف از آن هدایت اولی خداوند؛ بنابراین ضلالت هر کسی

۱. انبیاء: ۷۳.

۲. یونس: ۹.

۳. انسان: ۳.

از خودش شروع می‌شود و مستقیماً منسوب به خواست و رفتار خود او است و به طور غیر مستقیم، به خدا که نیروبخش انسان است، نسبت داده می‌شود.

### شایستگان هدایت

۱. مؤمن: «وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»<sup>۱</sup> کسی که به خدا ایمان بیاورد، خدا او را هدایت می‌کند.

۲. تائب: «يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ»<sup>۲</sup> هر کس به سوی خدا بازگردد، خدا او را هدایت می‌کند.

۳. مستمسکین به خداوند: «مَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۳</sup> هر کس به دین خدا متمسک شود، به راه راست هدایت یافته است.

۴. مجاهدین: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»<sup>۴</sup> آنها که در راه ما کوشش کنند، محققاً آنها را به راه خویش هدایت می‌کنیم.

۵. اهل تقوی: قال علی عليه السلام: «هُدَى مَنْ أَسْعَرَ قَلْبَهُ التَّقْوَى»<sup>۵</sup> آن‌که قلبش تقوی را درک کرد، هدایت یافت.

۶. صابران: قال علی عليه السلام: «هُدَى مَنْ إِدْرَعَ لِبَاسَ الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ»<sup>۶</sup> هدایت یافت آن‌که لباس صبر و یقین پوشید.

۷. مخلصین: قال علی عليه السلام: «هُدَى مَنْ أَخْلَصَ الْإِيمَانَ»<sup>۷</sup> آن‌که ایمان خود را خالص نمود، هدایت یافت.

۸. عالمان: قال علی عليه السلام: «مَنْ عَلِمَ اهْتَدَى»<sup>۸</sup> آن‌که عالم شد، هدایت شد.

### بهترین وسیله برای هدایت

۱. قرآن: قال تعالی: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»<sup>۱</sup> همانا این قرآن خلق را به استوارترین راه هدایت می‌کند.

۱. تغابن: ۱۱.

۲. رعد: ۲۷.

۳. آل عمران: ۱۰۱.

۴. عنکبوت: ۶۹.

۵. غررالحکم؛ ماده هدی.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان.

۲. اهل بیت پیامبر: قال رسول الله ﷺ: «انى تاركٌ فيكمُ الثقلينِ ما ان أخذتمُ بهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي»<sup>۲</sup> من دو چیز گرانبها در میان شما به امانت می‌گذارم، تا وقتی که پیرو آنها باشید، هرگز گمراه نخواهید شد: قرآن و اهل بیتم.

### حق چیست؟

یکی از یافته‌های فطری بشر که عقل نیز به آن حکم می‌کند، این است که انسان باید حق را پیروی کند و به همین دلیل کسی هم که انسان را به سوی حق دعوت می‌نماید، واجب‌الاتباع است و باید پیروی شود؛ زیرا حق می‌گوید و به حق دعوت می‌کند، خود حق است، همان حقی که ما را به سوی آن می‌خواند و بنابراین قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ»<sup>۳</sup> بگو: تنها خداست که به سوی حق هدایت می‌کند.

تنها خداست که هر موجودی را به سوی هدفش و به سوی هر چیزی که در بقایش نیازمند به آن است، هدایت می‌کند. خدایی که انسان را به سوی حیات، هدایت و به سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌نماید، رسولانی می‌فرستد و کتاب‌هایی نازل و شریعی را تشریح می‌کند تا انسان‌ها به اذن او هدایت شوند و بنابراین اعتقاد، سخن و عمل حق آن اعتقاد، گفتار و کرداری است که با سنت جاری در عالم مطابق باشد.

### سفارش به حق

قرآن کریم در سوره مبارکه عصر از مصادیق بارز عمل صالح را «تواصی» به حق دانسته و می‌فرماید:

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ»<sup>۴</sup>.

کلمه تواصی به معنای سفارش کردن این به آن و آن به این است و تواصی به حق، این است که یکدیگر را به حق سفارش کنند؛ سفارش به اینکه از حق پیروی نموده و در راه حق استقامت و مداومت نمایند.

۱. اسراء: ۹.

۲. معالم المدرستین؛ ص ۴۸.

۳. یونس: ۳۵.

۴. عصر: ۳.

پس دین حق چیزی جز پیروی اعتقادی و عملی از حق و توامی به حق نیست و توامی بر حق، عنوانی است وسیع تر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر؛ چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی شود؛ ولی توامی بر حق هم شامل امر به معروف می شود و هم شامل عناوین مذکور<sup>۱</sup> و بنابراین از طریق سفارش به حق، انسان به حق مطلق تقرب یافته و با عنایت او به حق دست می یابد.